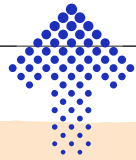


زن روستایی بدون بیمه نداریم

سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی: تمام زنان سرپرست خانوار عشایری، روستایی و همین‌طور زنان

سرپرست خانوار شهرهای کمتر از ۲۰ هزار نفر تحت پوشش بیمه قرار دارند و معادل ۹۵۰ میلیارد تومان اعتبار بودجه برای این پوشش بیمه گسترده در نظر گرفته شده است. با این کار هیچ زن روستایی و عشایری‌ای نیست که بیمه نداشته باشد.



مستمری زنان سرپرست خانوار افزایش یافت

گفت‌وگو با مدیرکل دفتر خانواده و بانوان معاونت سلامت اجتماعی بهزیستی کشور

به گفته خاک رنگین،

۲۸۵ هزار و ۸۵۰ نفر از زنان سرپرست خانوار زیر پوشش دریافت مستمری قرار دارند



جامعه امروز

محمد سهرابی | روزنامه‌نگار |

در میان گروه‌های اجتماعی‌ای که تحت فشار شرایط اقتصادی و اجتماعی قرار دارند زنان سرپرست خانوار از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند. آنها برای اداره زندگی خود و فرزندانشان باید در وضعیت دشوار بازار کار صاحب حرفه ثابتی باشند تا بتوانند با اتکا به آن هزینه‌های زندگی را تأمین کنند، اما بازار کار هر روز محدودتر می‌شود و درآمدها برای گذران زندگی کافی نیست. این گروه از مددجویان نیازمند حمایت هستند، اما خوشبختانه مانند سالمندان و معلولان شدید جسمی همیشه وابسته به دیگران نمی‌مانند. مستمری ماهانه بهزیستی بخشی از هزینه‌های این گروه را تا زمان رسیدن به شغل پایدار تأمین می‌کند، اما آنها این فرصت را دارند که بتوانند به مدد تلاش خود از چرخه مستمری گرفتن خارج شوند. به گفته مسئولان بهزیستی، تعداد کلی زنان مستمری‌بگیر در سال‌های اخیر تغییر زیادی نکرده، اما در مقابل میزان مبلغ مستمری افزایش داشته است.

توانمندسازی و خروج از فهرست مستمری

سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی چندی قبل گفت که هم تعداد زنان بدسرپرست و هم تعداد زنان سرپرست خانوار در حال افزایش است. اما آیا تعداد زنان سرپرست خانواری که از بهزیستی مستمری ماهانه دریافت می‌کنند افزایش داشته است؟ مریم خاک رنگین، مدیرکل دفتر خانواده و بانوان معاونت سلامت اجتماعی بهزیستی کشور در این باره به همشهری می‌گوید: «ما پذیرش بهزیستی کشور در این باره به همشهری می‌گوید: «ما پذیرش جدید از روند یکسانی تبعیت نمی‌کند و در سال‌های مختلف تفاوت‌هایی نشان می‌دهد و نمی‌توان دقیق پیش‌بینی کرد. در طول سال قبل، ۲۴ هزار و ۹۲ نفر پذیرش جدید

پایداری جای شتاب

نسخه جدید مدیریت در شرکت‌های ایرانی

سال‌ها بود که رشد، توسعه، جذب نیرو و اجرای پروژه‌های بزرگ، شاخص موفقیت سازمان‌ها به شمار می‌رفت اما حالا شرایط اقتصادی، قواعد بازی را تغییر داده است. تازه‌ترین گزارش ایران تلنت از وضعیت منابع انسانی در بهار ۱۴۰۵ نشان می‌دهد بسیاری از شرکت‌های ایرانی، به جای حرکت شتاب‌زده برای توسعه، حفظ پایداری و مدیریت هوشمند منابع را در اولویت قرار داده‌اند.

توسعه متوقف نشده، محتاط‌تر شده است

یکی از مهم‌ترین یافته‌های گزارش ایران تلنت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بنگاه‌های کارپایی ایرانی، افزایش تمرکز سازمان‌ها بر پروژه‌های زودبازده است. این تصمیم بیش از آنکه نشانه ناامیدی باشد، بازتاب مدیریت ریسک در شرایطی است که پیش‌بینی آینده دشوارتر از گذشته شده است. در چنین فضایی، مدیران ترجیح می‌دهند منابع مالی و انسانی را به پروژه‌هایی اختصاص دهند که بازگشت سرمایه سریع‌تر و ریسک کمتری دارند. این رویکرد اگرچه ممکن است سرعت توسعه را کاهش دهد، می‌تواند از آسیب‌های مالی و مدیریتی در دوره‌های بی‌ثبات جلوگیری کند.

قرار دادهای کوتاه مدت: انعطاف یا نااطمینانی؟

از منظر مدیریت سازمان، قراردادهای کوتاه‌مدت ابزاری برای افزایش انعطاف‌پذیری در شرایط متغیر اقتصادی محسوب می‌شود. کارشناسان معتقدند اگر فضای اقتصادی به سمت ثبات حرکت کند، این انعطاف می‌تواند دوباره جای خود را به قراردادهای بلندمدت و سرمایه‌گذاری بیشتر بر نیروی انسانی بدهد.

عبور از بحران با مدیریت واقع‌بینانه

شاید مهم‌ترین پیام گزارش این باشد که سازمان‌های ایرانی، به جای انکار واقعیت‌های اقتصادی، تلاش کرده‌اند خود را با شرایط جدید تطبیق دهند. تغییر اولویت از توسعه به پایداری، اگرچه تصمیمی دشوار است، می‌تواند زمینه‌ساز عبور کم‌هزینه‌تر از دوره‌های پرریسک باشد. تجربه ثابت کرده شرکت‌هایی که در دوره‌های بی‌ثبات، ابتدا ثبات مالی و سرمایه‌انسانی خود را حفظ می‌کنند، پس از بازگشت رونق اقتصادی، آمادگی بیشتری برای توسعه خواهند داشت.



خلبانان شجاع

هوابیمایی که ۱۲ تیرماه برای رساندن هیأتی از یمن به مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب راهی این کشور شده بود، ۲۲ تیرماه همان مسیر را بازگشت نامیهمان‌ها را به سلامت به یمن بازگرداند اما نکته مهم این بود که پرواز در

این مسیر به دلیل محاصره هوایی یمن، کار آسانی نبود. بعد از چند ساعت دلبهره‌آور، وقتی هوابیمای ایرانی توانست به سلامت مسافرها را پیاده کند و به ایران بازگردد، همه از خود می‌پرسیدند که خلبان هوابیما چه کسی است!

سؤالی که بعد از فرود هوابیما در ایران و بیان این جملات از زبان خلبان، کاملاً مشخص شد: «خوشحالیم که این شور را در موهبطان خودمان و کسانی که کنار ما هستند ایجاد کردیم. قدر ایرانی بودن خودتان را بدانید.»

ایران، پشت‌خارگ است

بی‌بی‌زینت مکرمی هم‌راه نوه بزرگش ماهی خشک می‌فروشد؛ خودش اینجا کامران در فضای مجازی: «...نوامه نوبی گوشیش به عکس نشونم داد...». چه عکسی؟ «عکس به تایلند اول جاده ورودی شهر اوروستاها می‌زنم، از اونجا روی تایلند نوشته بود، به جزیره خارگ خوش آمدید. جمعیت ۸۵ میلیون نفر... بعضی می‌کند، مثل همان نوبت نخست که عکس را دیده بود: «خیلی به دلم نشست، نه‌نه‌جان... این جوری که مردم شهرهای دیگه و کل ایران، غصه‌مون رو می‌خورن، کمتر از سسر و صدای موشک و این هواپیماهای خردو (به زبان محلی یعنی کوچک) که بیهو میان بالا خونه‌ها می‌ترسم...» مانند عکسی که بی‌بی‌زینت پسندیده، این روزها در شبکه‌های مجازی بسیار به اشتراک گذاشته می‌شود: «دم مردم گرم، این چندباری که به شهری جنوبی کشور به‌خصوص اسکله‌های ماهیگیری که قایق‌ها پهلوداشتن، حمله شده، مردم بی تفاوت نبودن... همدردی کردن... شاید همدردی شون، ساده به‌نظر بیاد یا عملاً هیچ و پوچ باشه و اثری تو وضعیت ما نداشته باشه ولی حداقل دلگرم‌کننده‌س...» این را حمید یزدان‌پناه می‌گوید که صیاد است و این روزها کفش مشغول صیادان اسکله روستای بنود در عسلویه است که قایق‌ها بشان در حمله موشکی اخیر نظامیان آمریکایی، سوخت و خاکستر شد.

قلیه‌ماهی با طعم جنگ

حال و هوای زندگی مردم جزیره خارگ در روزهایی که با صلح، آتش‌بس و جنگ گره خورده است

گزارش

سحر جعفران‌عصر | روزنامه‌نگار | ساکنان جزیره خارگ، جنگ و مصائبش را کم ندیده‌اند؛ از جنگ ۸ ساله تا جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه و حالا هم جنگ‌های گاه و بی‌گاه و تهدیدهای تویییتی ترامپ، اما آنها می‌دانند چطور میان روشن و خاموش شدن آتش جنگ‌ها، سرگرم زندگی باشند، حتی حالا که در کنار سرو صداهای جنگ، هوا گرم است و شرجه و بوی تند نفت می‌دهد. بوی نفت را بادی ملایم با خود می‌آورد؛ از میدان‌های نفتی جنوب و جنوب غرب جزیره به سمت شمال و شمال شرق آن که محدوده‌ای مسکونی است و بیش از ۶ هزار نفر در آن ساکن‌اند. جاشوها

نیروهای مردمی برای امنیت جزیره

این روزها، ساکنان خارگ در موقعیت نزدیک با جنگ هستند؛ خیلی نزدیک. مرتضی احمدی زاده، از بومی‌های جزیره در توضیح این موقعیت نزدیک به همشهری می‌گوید: «...نزدیک یعنی خود خط مقدم... دبیر بازنشسته است و چند سالی است از محدوده شمال جزیره، کرکه بنگاه مسکین را بالا داده...» بیشتر ساکنان قدیمی جزیره ترسشون از جنگ ریخته، چون هم بمباران‌های جنگ ایران و عراق رو دیدن و هم با جغرافیای خاص محل زندگی شون کنار اومدن... بخشی از جغرافیای خاص خارگ را بهانه می‌کند تا از انفجارهای جنگی شب‌های اخیر بگوید: «جنس خاک جزیره، مرجانه؛ خیلی سفت و سخته. برای همین وقتی موشکی رومی‌زنن کیلومترها دورتر، مثلاً سمت میدان‌های نفتی پایین جزیره، ما که بالای جزیره هستیم، صدا و لرزش انفجار اونو حس می‌کنیم...» پسرش، میثم احمدی زاده در یکی از همان میدان‌های نفتی مشغول به کار است. او نیز از حال و هوای زندگی در جنگ می‌گوید: «چه نگران باشیم چه نایسیم کار و زندگی مون همین جاست و جز این خونه، خونه دیگه‌ای نداریم که بخوایم بریم...» مکث می‌کند و دوباره می‌گوید: «اصلاً چرا بریم؟» این سؤال بر تکرار شمار زیادی از جزیره‌نشینان است: «...راستش شاید به وقتی بترسیم اما نمی‌ریم... نیروهای نظامی این شب‌ها دور تا دور جزیره محافظت می‌کنن و خیلی از اهالی هم داوطلبین که پا به پای اونا به گشت و مراقبت‌های امنیتی مشغول شن...» پایان حرف‌های میثم به تاریخ خارگ می‌رسد؛ به حمله هلندی‌ها و عراقی‌ها و حالا هم آمریکایی‌ها... در هیچ یک از حملات، خارگ خالی از جمعیت ایرانی‌ها نشد.



سوهان اخبار جنگ‌های گاه و بی‌گاه

دورتر از مرتضی و پسرش، حوالی اسکله مرارید، بساط بازار ماهی‌فروشان مثل همیشه در بلوار طالقانی بهین است. چند دهه غرقه، مقابل هم در طول میسری ۷۰۰ تا ۸۰۰ متری ردیف شده‌اند؛ غرفه‌هایی برای فروش خوردنی و ادویه محلی، سبزی و میوه‌های بومی و بسیاری ماهی‌های تازه از آب گرفته شده. رشید دوستداری یکی از غرفه‌داران است. او بیشتر از جنگ از اخبار جنگ شکایت دارد: «اخبارش، سوهان اعصابه و توی دل آدم رو خالی می‌کنه...» بی حرف‌هایش به نکته متفاوتی می‌رسد: «...ولی راستش اهالی خارگ با این اثر داغون اخبار جنگ هم کنار اومدن که کوچه‌ها و خیابون‌ها تو این روزها و شب‌ها خالی و خلوت نیست...» زهر فارسی یکی از مشتریان همیشگی این بازار قدیمی است که هم اخبار جنگ را شنیده و هم گاهی از صدای انفجارهای شبانه‌اش از خواب می‌پرد: «...استرس که دارم اما چاره ندارم... معمولاً سرمو با خرید و کارای خونه گرم می‌کنم و مراقبم پسران خیلی تو ساحل بازی نکنن...»

